

نقد تخریب و غارت میراث تاریخی، فرهنگی، و مذهبی سوریه و عراق به دست گروه تروریستی داعش از منظر حقوق بشردوستانه

سید عادل حیدری*

چکیده

آثار فرهنگی و تاریخی جهانی، به دلیل داشتن ماهیت فراتاریخی، فراجغرافیایی، و فراملیتی، سازمان‌های بین‌المللی را مجبور و تشویق به حمایت کیفری بین‌المللی از میراث فرهنگی و تاریخی کرده است. تخریب آثار تاریخی و فرهنگی ملت‌های خاورمیانه با اصالت فرهنگی و تمدنی چندین هزارساله به دست گروه تروریستی داعش و فروش برخی از این آثار باستانی به منظور تأمین هزینه‌ها و درآمدزایی برای این گروه تروریستی باعث خشم سازمان‌ها، نهادها، و حامیان میراث کهن بشریت شده است. با بررسی اعمال و رفتار ارتكابی این گروه به مواردی هم‌چون برخورد با اصل و قاعده منع تجاوز و احترام به حاکمیت و تمامیت سرزمینی کشورهای جهان، که جزء قواعد آمره و تخطی‌ناپذیر حقوق بین‌الملل اند، هم‌چنین ارتكاب جنایات بین‌المللی مندرج در اسناد بین‌المللی از جمله اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، که به‌وضوح در کشورگشایی‌های گروه تروریستی داعش مشخص است و مبنای ارجاع افراد این گروه برای رسیدگی جهانی است، برخورد می‌کنیم. این موضوع زمانی به اوج حساسیت خود در خاورمیانه می‌رسد که اماکن مقدس و مذهبی مسلمانان خصوصاً شیعیان در این کشور قرار دارد و هر گونه تعرض و تجاوز به آن‌ها موجب بی‌ثباتی و تنش بیش‌تر در منطقه خواهد شد. رسیدن به هر گونه صلح و ثبات پایدار در جامعه جهانی، به‌منظور حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی و تاریخی، فقط در پرتو اتحاد جهانی با هدف حفاظت و همبستگی میراث جهانی میسر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: داعش، تروریسم، آثار تاریخی، سوریه، عراق، حقوق بین‌الملل.

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌الملل قشم، lawyerheidari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۵

۱. مقدمه

به واقع میراث فرهنگی بهترین عنوانی است که شاید تا به امروز برای توصیف نسل‌های گذشته به کار رفته است. طبیعی است که مهم‌ترین رمز ماندگاری این میراث در بستر زمان مصون ماندن آن‌ها از گزند حوادث و بلایای طبیعی و همچنین مداخلات بشر در صورت و ظاهر آن‌هاست. بی‌تردید با حرکت رو به رشد توسعه جوامع امروزی و البته با لحاظ توسعه پایدار، حمایت از میراث فرهنگی و تاریخی نمی‌تواند مانند گذشته صرفاً به حفاظت فیزیکی از آن‌ها محدود شود. آثار فرهنگی و تاریخی در کتب ادبیات ما این‌گونه تعریف شده است: بناها، مجموعه‌ها، اماکن، محوطه‌های تاریخی، نگاره‌ها، تندیس‌ها، پیکره‌ها، کتیبه‌ها، نقوش، آذین‌ها و هر عنصر تاریخی دیگری که به آثار متصل یا متکی باشند و یک‌صد سال یا بیش‌تر از عمر آن‌ها گذشته باشد (خلیلیان، ۱۳۸۰: ۲۵). از طرفی آثار مذهبی جزئی از آثار فرهنگی کشور و تجلی عینی و خارجی فطرت خداجوی انسان است.

البته درباره رابطه آثار مذهبی و تاریخی بایستی توجه کرد که اغلب آثار مذهبی به دلیل قدمت زیاد از جمله آثار ملی نیز محسوب می‌شوند، اما بر خلاف آثار تاریخی لازم نیست مدت زمان زیادی از تاریخ ایجاد آن‌ها گذشته باشد (کامیار، ۱۳۷۴-۱۳۷۵: ۴۲).

حمایت از این میراث امروزه جنبه‌هایی خاص یافته است و در قوانین بسیاری از کشورها برای حمایت کیفری در برابر برخی صور مداخلات انسانی در اموال فرهنگی و تاریخی تمهیداتی در نظر گرفته شده است.

گروه تروریستی، افراط‌گرایانه، و تکفیری داعش، به محض روی کار آمدن، سعی در از بین بردن برخی از این آثار تاریخی و باستانی و یا در صورت لزوم غارت و فروش آن‌ها کرد. در سال‌های گذشته، زمانی که داعش فقط برخی نقاط را در اختیار داشت، با اخذی و غارت بخشی از نیازهای مالی خود را تأمین می‌کرد و با حمایت از برخی سرمایه‌داران بخشی از سودهای آن‌ها را به خزانه خود می‌ریخت، اما با گسترش تصرفات اراضی و در اختیار گرفتن بخش‌های مهمی از عراق و سوریه، نحوه کسب درآمدهای آنان نیز توسعه یافت. کارشناسان جرایم هنری و باستان‌شناسان هشدار داده‌اند، تقریباً صد فقره اشیای دست‌ساز سوریه، که گروه داعش به غارت برده است، به انگلیس قاچاق شده و به منظور کسب درآمد برای فعالیت‌های این گروه افراطی به فروش رسیده است. این اقلام، که گفته می‌شود در لندن فروخته شده است، شامل سکه‌های طلا و نقره و بیزانسی، ظروف سفالی رومی، و ظروف بلوری به ارزش میلیون‌ها دلار بوده است. گفته می‌شود این اشیاء از طریق ترکیه، اردن، و لبنان و همان مسیرهای قاچاق انسان، سلاح، و مواد

مخدر قاچاق می‌شود. روزنامه‌تایمز لندن این پدیده را با صنعت «الماس خون» در آفریقا قابل مقایسه می‌داند که در آن پول حاصل از فروش الماس‌های آفریقا برای تأمین هزینه جنگ‌های این قاره استفاده می‌شود.

در این پژوهش سعی بر آن است که اقدامات گروه تروریستی داعش مبنی بر از بین بردن آثار تاریخی و باستانی تمدن بشری و همچنین غارت، چپاول، و فروش آن‌ها را از دیدگاه حقوق بشردوستانه بررسی کنیم و ضمن آن اقدامات انجام‌شده از سوی مجامع بین‌المللی و دیگر کشورها را در این خصوص ارزیابی کنیم.

۲. ماهیت، نحوه شکل‌گیری، و اهداف گروه تروریستی داعش

از مهم‌ترین دلایل بروز و ظهور گروه‌های تکفیری، سیاست نظام سلطه به‌منظور بدل‌سازی از اسلام ناب محمدی (ص)، فرایند سوار شدن بر موج بیداری اسلامی، و ایجاد رویکرد منفعت‌محور و زاویه‌دار با مصلحت مسلمانان است. جریان تکفیری شاخه‌ای جدید و افراطی از گروه‌های سلفی جهادی است و امروزه در گروه‌های متعددی هم‌چون داعش، النصره، انصارالدین، انصارالاسلام، و بوکوحرام با تفاوت در راه‌کنش کشورهای مختلف اسلامی تبلور یافته است. این روند پدیده تکفیری باعث انحراف در روند بیداری اسلامی و ترسیم چهره‌ای خشن و تند از اسلام در سراسر جهان می‌شود (نظام‌الدینی، ۱۳۸۹). جریان تکفیری از دو بخش امنیتی و اعتقادی تشکیل شده است که در صورت کنترل فعالیت‌های میدانی و امنیتی گروه‌های تکفیری، پتانسیل فکری و ذهنی آنان هم‌چنان مسئله‌ای است که گریبان‌گیر جهان اسلام شده است. هم‌چنین این گروه خود را بر اساس شعار بازگشت به سلفیت و پرچم‌دار دوران سلف، که همان صدر اسلام است، معرفی می‌کند و غیر از خود سایر نحله‌های فکری و مذاهب را کفر و باطل قلمداد می‌کند. آن‌ها معتقدند که مسلمانان از خط اصیل اسلام منحرف شده‌اند، بنابراین به فکر پاک‌سازی دینی برآمده و راه پاک‌سازی را بازگشت به متن، با تفسیری که از سلف به آنان رسیده است، می‌دانند. این جریان تکفیری مسری و سیال است و هر خاکی را که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند جزء سرزمین‌های اسلامی برمی‌شمارد و خود را در مقابل آن مسئول می‌داند (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳).

ریشه اصلی گروه داعش، به‌صورت سازمانی و تشکیلاتی، را باید در تحولات دهه آخر قرن بیستم در افغانستان دانست؛ زیرا با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، القاعده

در پیوند با طالبان توانست پایگاه‌های متعددی را در سراسر افغانستان دایر کند. به کار بردن شام به‌جای سوریه، که منطقه‌ای به گستردگی سوریه، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی، و بخش‌هایی از غرب عراق و صحرای سینا را شامل می‌شود، هدف‌گذاری آینده این سازمان را نشان می‌دهد. به‌عبارت دیگر، رهبران داعش با برگزیدن این نام بازگشت به دوران اقتدار خلافت اموی را به‌منزله آرمان این سازمان در سر می‌پروراند (همان: ۴۵).

گروه تروریستی داعش در ابتدا با حمایت و پشتیبانی کشورهای حاشیه خلیج فارس، خصوصاً عربستان سعودی، و هم‌چنین آمریکا و اسرائیل با هدف مبارزه با ارتش و دولت سوریه تشکیل شد و مورد حمایت‌های سیاسی و مالی این کشورها قرار گرفت، اما به تدریج خود را «دولت مستقل عراق و شام» و داعیه دار نهضت بیداری اسلامی در منطقه علیه حاکمان جائز و خودکامه نامید و با ایستادگی در برابر ملت و ارتش سوریه، با قتل، غارت، و کشتار افراد غیرنظامی و بی‌گناه موجب به‌وجود آمدن دورانی سرشار از خشونت و ناآرامی در خاورمیانه شد.

۳. حمایت از میراث تاریخی و فرهنگی در پرتو عرف و قواعد الزام‌آور حقوق بین‌الملل

میراث فرهنگی به‌عنوان یکی از مصادیق نسل‌های حقوق بشر (نسل چهارم) است و حقوق بین‌الملل سعی در حمایت از موضوع فوق دارد. حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق میراث فرهنگی بسیار پویا بوده است. تأسیس سازمان تربیتی، علمی، و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و راهبردهای این سازمان بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد و انعقاد بسیاری از معاهدات بین‌المللی تحت لوای آن سازمان، بیش از هر عامل دیگری، در جلب توجه جهانی به ارزش‌های میراث فرهنگی دخیل بوده است. بند سوم منشور سازمان ملل نیز، که گویای این مسئله است، چنین بیان می‌کند:

حصول هم‌کاری بین‌المللی برای حل مسائل بین‌المللی دارای ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه و برای ترویج احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، یا مذهب و تشویق به آن ...

اما مسئله‌ای که حقوق بین‌الملل نتوانسته است در آن به تنظیم مقررات جامعی دست یابد، حمایت بین‌المللی کیفی از میراث فرهنگی است. بناهای تاریخی ماهیتی فراتاریخی، فراجغرافیایی، و فراملیتی دارند چه رسد به فرافردی. بنابراین هیچ فرد مشخصی ذی‌حق نیست، بلکه تمام ابنای بشر ذی‌حق‌اند و دولت‌ها طی مخاصمات بین‌المللی نیز در برابر بشریت متعهد به حمایت و حفاظت از این آثارند. به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت که بناهای

تاریخی میراث مشترک بشریت‌اند. به همین دلیل، دولت‌های متخاصم، اعم از دولت‌های سرزمینی که این بناها در آن واقع شده‌اند و دولت‌های طرف دیگر، هر دو در حفظ و حراست از این بناها متعهدند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۴۶۰).

بر اساس کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان، که در ۲۳ نوامبر ۱۹۷۲ در پاریس امضا شد، هر یک از دولت‌های عضو کنوانسیون متعهد شدند که آگاهانه از هر گونه اقدامی که ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم به میراث فرهنگی و طبیعی مذکور در قلمرو سایر دولت‌های متعهدین این کنوانسیون لطمه زند خودداری کنند. از نظر کنوانسیون حاضر، هدف از حمایت بین‌المللی میراث فرهنگی و طبیعی جهان، اتحاد نظام هم‌کاری و مساعدت بین‌المللی بر اساس اصل صلاحیت جهانی به منظور تأیید دولت‌های متعهد کنوانسیون و کوشش‌هایی است که برای حفاظت و تشخیص میراث فرهنگی خود مبدول می‌دارند.

بنابراین، برقراری هر گونه صلح و ثبات پایدار در جامعه جهانی نیازمند همکاری و مساعدت همه کشورهای عضو کنوانسیون است و با هماهنگی و مشارکت دیگر کشورها می‌توان هر گونه خشونت، آسیب، تعرض، و صدمه به دیگر اعضای جامعه را برطرف و عاملان و متجاوزان را در محاکم بین‌المللی محاکمه و مجازات کرد.

۴. میراث فرهنگی و تاریخی؛ میراث مشترک بشریت

نسل سوم حقوق بشر نسلی است که در اواخر قرن بیستم بروز و ظهور پیدا کرد و گرچه هیچ سند الزام‌آوری برای آن وجود ندارد و اسناد مربوط به آن از حد قطع‌نامه و اعلامیه فراتر نرفته است، اما کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی را چنان به خود مشغول کرده که شعار نامزدهای انتخاباتی آنان دیگر تحقق حقوق نسل اول و دوم نیست و از آن فراتر رفته است. در برخی از آن کشورها حتی احزاب بر اساس حقوق نسل سوم صف‌بندی می‌شوند و شعارها حول حق محیط زیست سالم و حق توسعه پایدار تنظیم می‌شوند. حق توسعه، حق صلح، حق محیط زیست سالم، حق ارتباطات، حق میراث مشترک بشریت (شامل منابع زمینی، دریایی، و هوایی)، حق ارتباطات و کمک‌های بشردوستانه (بدون در نظر گرفتن اهداف سیاسی)، حق تعیین سرنوشت، حق مردمان بومی و ... از جمله حقوق نسل سوم است (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۲۱۹-۲۲۰). مفهوم «میراث مشترک بشریت» یکی از مفاهیم نسبتاً جدید و البته شگفت‌انگیز حقوق بین‌الملل است که در دهه‌های اخیر در بسیاری از اسناد بین‌المللی پذیرفته شده است. این مفهوم جدید است،

اما آن را برگرفته از اصل قدیمی «متعلق به همه» می‌دانند که به موجب آن سرزمین یا ناحیه مورد بحث در تملک و تعلق عمومی همه دولت‌ها قرار می‌گیرد، استفاده از آن برای همه دولت‌ها آزاد است، و بر طبق آن سرزمین یا منطقه مربوط قابل تصاحب و تخصیص از سوی دولت‌ها و سایر اشخاص نیست. البته اصل متعلق به همه طی تاریخ متحول شده به گونه‌ای که امروزه مفهوم میراث مشترک بشریت منعکس‌کننده این دیدگاه است. به‌کارگیری واژه میراث در مفهوم میراث مشترک بشریت به جنبه مادی حفاظت مشترک از مناطق و منابع غیرقابل تملک ملی دلالت دارد (Shelton, 2009: 38)، اما تعریف ارائه‌شده از میراث مشترک این گونه است:

اصل میراث مشترک بشریت بدین معناست که در ورای فرد، گروه اجتماعی، یا دولت باید منافع مالی برتر مجموعه بشریت حفظ گردد و از نعمات جهان و کلیه محسنات زندگی در چهارچوب روح همبستگی که فراتر از مرزهاست بهره‌مند گردند (بجاوی، ۱۳۷۶: ۲۳).

هدف اصلی از موضوعاتی هم‌چون تنوع فرهنگی، میراث فرهنگی، تنوع زیستی، و ژنوم انسانی، به منزله میراث مشترک بشریت (نسل سوم حقوق بشر)، حفظ و حمایت از این میراث‌های فرهنگی و اطلاعات ژنتیکی مهم به نفع بشریت بوده است و بیش‌تر بر جنبه‌های معنوی آن‌ها تکیه دارد تا بر جنبه‌های مادی‌شان؛ شاید به این دلیل است که برخی پیش‌نهاد می‌کنند کاربرد عبارت «نگرانی و دغدغه مشترک» مناسب‌تر از «میراث مشترک» در خصوص این‌گونه موضوعات است، زیرا در این صورت بدون دغدغه درباره عناصر میراث مشترک بشریت آن‌چه از میراث مشترک دنبال می‌کنیم در نگرانی مشترک حاصل می‌شود (جمالی، ۱۳۸۷: ۳۷).

۵. اقدامات جامعه بین‌المللی در برابر اعمال گروه داعش

وظیفه پاس‌داری از امنیت و صلح بین‌المللی بر عهده شورای امنیت سازمان ملل متحد است. گروه تروریستی داعش با تجاوز به حاکمیت ملی دو کشور سوریه و عراق آرامش و امنیت مردم این دو کشور را سلب کرده و با فجیع‌ترین شیوه‌ها با مخالفان و معتقدان به دیگر ادیان برخورد می‌کند. این وظیفه شورای امنیت سازمان ملل است که به این وضعیت رسیدگی کند و تمام تلاش خود را برای اعاده صلح و امنیت جهانی به کار گیرد.

بر اساس منشور سازمان ملل متحد، حیطة قدرت شورای امنیت شامل اعزام نیروهای پاس‌دار صلح به منطقه درگیری، تصویب تحریم‌های بین‌المللی، و اعطای اجازه استفاده از

نیروی نظامی علیه کشورهای متخاصم است. شورای امنیت سازمان ملل تاکنون ۴ قطعنامه علیه گروه تروریستی داعش وضع کرده است که عبارت‌اند از: قطعنامه ۲۱۶۹ (طبق فصل ششم)، ۲۱۷۰ (طبق فصل هفتم)، ۲۱۷۸ (طبق فصل هفتم)، و ۲۱۹۹ (طبق فصل هفتم).

در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵، شورای امنیت سازمان ملل برای افزایش فشار بر تروریست‌ها، با صدور قطعنامه ۲۱۹۹ پیش‌نهادی روسیه، ضمن ممنوع کردن تجارت آثار باستانی سوریه، خریداران نفت از گروه‌های تروریستی داعش و جبهه النصره را به اعمال تحریم تهدید کرد. همچنین، شورای امنیت از همه کشورهای خواست در ازای آزادی گروگان‌های دربندشان به تروریست‌ها باج ندهند. این قطعنامه، که به اتفاق آرا به تصویب رسید، به لحاظ قانونی الزام‌آور است و به شورای امنیت اختیار می‌دهد تصمیم‌های مربوط به تحریم‌های اقتصادی را تصویب کند، اما همچنان متوسل شدن به نیروی نظامی را مجاز نمی‌داند (ملایی، ۱۳۹۳). با این‌که گروه داعش چندین شهر را در تصرف خود دارد و شهر موصل را مقرر حکومت خلافت اسلامی یا دولت اسلامی اعلام کرده است، اما در نظام حقوقی بین‌المللی هیچ کشوری این پدیده را به‌منزله دولت به رسمیت نشناخته است. سازمان ملل و تعدادی از رهبران کشورهای جهان از جمله عراق، فرانسه، ایران، آمریکا، و بریتانیا داعش را خطری فراتر از منطقه قلمداد کرده‌اند و درخواست کردند که این گروه در فهرست تروریست‌ها و جنایت‌کاران جنگی قرار گیرد. همچنین آمریکا، در حمایت از دولت عراق، اعلام کرد که «همه گزینه‌ها برای کمک به دولت عراق باز است».

مطابق حقوق بین‌الملل معاصر، برای تشکیل یک دولت وجود سه مؤلفه جمعیت، حاکمیت، و سرزمین و قابلیت برقراری ارتباط با دیگر تابعان حقوق بین‌الملل لازم است. این موارد از جمله در کنوانسیون مونته‌ویدئو (Montevideo) در ۱۹۳۳ تأیید شده است که امروزه به‌منزله یک عرف مسلم بین‌المللی مورد استناد است. حال باید وضعیت داعش را در سوریه و عراق با این مقرر سنجید.

گروه تروریستی داعش با اعمال شدیدی، که پس از این بررسی می‌شوند، در داخل مرزهای دو کشور عضو رسمی سازمان ملل متحد مبادرت به نفوذ، پیش‌روی، قتل، و غارت کرده است که این مسئله خود آغاز مشروعیت نداشتن اعمال این گروه است؛ زیرا به جز موارد استعمارزدایی هیچ مجوزی وجود ندارد که توجیه‌کننده اقدامات این‌چنینی گروهی شورش‌ی و تروریستی باشد و صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد. سازمان ملل متحد ضمن محکوم کردن اقدامات دولت اسلامی (داعش) اعلام کرد که این گروه می‌تواند در فهرست گروه‌های تروریستی و جنایت‌کاران جنگی قرار گیرد. البته

هنوز رسماً نام داعش در فهرست گروه‌های تروریستی سازمان ملل قرار ندارد، اما شورای امنیت در نشست ۷۲۴۲ خود خواستار انحلال و خلع سلاح دولت اسلامی شد و شش نفر از حامیان آن را در فهرست تحریم قرار داد. در این میان، گروهی از کشورها در بخش‌های ملی خود گروه داعش را در فهرست تروریستی قرار داده‌اند که می‌توان به اداره ضد تروریست امریکا، دفتر رسمی دولتی انگلستان، و آژانس ملی ضد تروریسم اندونزی اشاره کرد.

مهم‌ترین قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص موضوع مطروحه در این پژوهش محکوم کردن تخریب میراث فرهنگی در عراق و سوریه است و تصمیم اتخاذشده مبنی بر این است که:

همه کشورهای عضو موظف به پیش‌گیری از تجارت اموال فرهنگی، اموال دارای ارزش باستان‌شناسی، تاریخی، اموال با اهمیت و کمیاب از نظر علمی و مذهبی از عراق از ۶ آگوست ۱۹۹۰ و از سوریه از ۱۵ مارس ۲۰۱۱ می‌باشند. کشورهای عضو همین‌طور می‌باید از تجارت بین‌مرزی کالاهای یادشده از این دو کشور هم پیش‌گیری کنند (پاراگراف ۱۷ قطع‌نامه ۲۱۹۹ شورای امنیت).

با این توضیح، کشورهای عراق و سوریه می‌توانند از کشورهای امضاکننده این قطع‌نامه درخواست کنند که به‌منظور تداوم همکاری‌های بین‌المللی هر گونه خرید و فروش و یا نقل و انتقال اشیای فوق‌الذکر از سوی اشخاص را در کشور متبوعشان پیگیری و شناسایی کنند. البته گفتنی است که عراق و سوریه این حق را دارند که در محاکم بین‌المللی نسبت به احقاق حقوق از دست‌رفته خود و بازپس‌گیری اشیای و آثار باستانی تمدن بشری اقدامات لازم را به عمل آورند و در مجامع بین‌المللی از کشورهایی که با این گروه مستقیم یا غیرمستقیم همکاری می‌کنند اعلام شکایت کنند. هم‌چنین، قطع‌نامه مذکور کشورهای عضو را ترغیب می‌کند که فهرست افراد و اشخاص حقوقی شرکت‌کننده در فعالیت‌ها و تجارت با داعش، جبهه النصره و دیگر افراد، گروه‌ها، عوامل، و اشخاص حقوقی مرتبط را به این کمیته تحویل دهند.

تجربه بازپس‌گیری اشیای عتیقه در حالی مطرح است که پس از ۳۵ سال پیگیری و مبارزه حقوقی در سال ۱۳۹۳ دادگاه استیناف در شهر «لی‌پژ» (Lipej) بلژیک در دعوی مربوط به اشیای عتیقه «خوروین» (Khorvin) به نفع دولت ایران رأی داد و مالکیت ایران بر روی مجموعه اشیای عتیقه و آثار باستانی خوروین را محرز دانست و حکم کرد که مجموعه مزبور باید به دولت ایران مسترد شود.

این مورد از پیگیری به منظور احقاق حق و اعاده وضعیت سابق می‌تواند نویدبخش این باشد که خرید و فروش اشیای عتیقه و باستانی با ارزش، که به دست این گروه به تاراج رفته و در جامعه جهانی دست به دست تجارت می‌شود، با توجه به این که همه آن‌ها از طریق سازمان‌های بین‌المللی میراث فرهنگی مانند یونسکو ثبت شده و مورد شناسایی بین‌المللی قرار گرفته‌اند، قابلیت پیگیری برای اعاده را دارند.

ایرینا بوکووا (Irina Georgieva Bokova)، مدیر کل سازمان جهانی یونسکو، نیز راه‌کارهایی را به منظور اتخاذ چهارچوب عملی ملی برای اجرای بند ۱۷ قطع‌نامه یادشده پیشنهاد کرده و در چهارچوب بند ۲۹ از قطع‌نامه ۲۱۹۹ (<http://www.un.org/press/en/2015/sc11775.doc.htm>) نیز از کشورهای عضو درخواست کرده است تا درباره اقدام‌های ملی اتخاذشده برای اجرای قطع‌نامه یادشده اطلاع‌رسانی کنند (www.un.org/press/en/2015/SC11775.doc.htm).

راه‌کارهای یونسکو برای اقدام ملی و ارائه گزارش در زمینه اجرای مؤثر بند ۱۷ از قطع‌نامه ۲۱۹۹ شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۵ می ۲۰۱۵ تنظیم شد و برای کشورهای عضو سازمان و کشورهای ناظر آن قابل استفاده است. این راه‌کارها بر مرور قوانین ملی مرتبط به منظور هم‌سوسازی آن‌ها با مفاد قطع‌نامه ۲۱۹۹ شورای امنیت، به‌ویژه مسئله پیش‌گیری از تجارت فرامرزی اموال فرهنگی و تاریخی عراق و سوریه، و مرور قوانین ملی به منظور هم‌سوسازی آن‌ها با استانداردهای مرتبط بین‌المللی به‌ویژه با کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو در ارتباط با روش‌ها و ابزارهای پیش‌گیری و ممانعت از ورود، صدور، و انتقال غیرقانونی مالکیت معنوی و کنوانسیون ۱۹۹۵ (UNIDROIT) درباره اشیای فرهنگی سرقتی یا اشیای فرهنگی‌ای که غیرقانونی صادر شده‌اند و کنوانسیون سازمان ملل در مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی (Palermo, 2000) تمرکز دارد.

بر این اساس، سخنان اخیر ایرینا بوکووا در کنفرانس بین‌المللی «فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای گفت‌وگوی میان‌ملت‌ها»، که در حضور ۸۲ تن از وزرای فرهنگ و معاونان در نمایشگاه میلان (Milan 2015) بیان شد، نشان‌دهنده عزم جدی این سازمان برای حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی بشری است که هر روز به دلیل افسارگسیختگی خوی بهیمی و ظلمانی برخی قدرت‌طلبان فرهنگ‌ستیز ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد. خانم بوکووا در سخنان خود، شاید برای اولین بار، به این صراحت اعلام کرد که «حمله به فرهنگ به‌مثابه جنایت جنگی است». وی با بیان این جمله اذعان کرد که حمله به میراث فرهنگی و تخریب آن‌ها تراژدی هولناکی است که من نام آن را «پاک‌سازی فرهنگی»

(cultural cleansing) می‌نامم. جنایات دهشتناک تروریست‌های داعش در منطقه خاورمیانه از نظر یونسکو اعلان جنگ علیه کل بشریت است؛ چرا که ویران کردن میراث هزاران ساله ملل جهان را در مرکز اهداف شوم خود قرار داده است. جهل عصیان‌گسیخته حامیان و پیروان چنین تفکری به منزله زخمی چرکین و متعفن بر پیکره بشریت هزاره سوم میلادی است و رسالت یونسکو، در نقش بال نرم‌افزاری و فرهنگی جهان، بهره‌گیری از تمام ظرفیت خود برای مواجهه و مبارزه با چنین رویکرد هول‌انگیز و دهشتناکی است. نکته حائز اهمیت دیگر این که کنوانسیون عمومی سازمان تربیتی علمی و فرهنگی ملل متحد در پاریس (UNESCO) نیز در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ کنوانسیون مزبور را تصویب کرده است. ماده چهارم این کنوانسیون بیان می‌دارد:

هر یک از دولت‌های عضو کنوانسیون حاضر می‌پذیرند که تعهد، تشخیص، حمایت، حفاظت، و شناساندن میراث فرهنگی واقع در قلمرو خود، مذکور در مواد ۱ و ۲، و انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده در وهله اول وظیفه همان دولت است و برای نیل به این هدف دولت مذکور با توسل به حداکثر امکانات خود و نیز در صورت اقتضا از طریق جلب مساعدت و همکاری‌های بین‌المللی به‌ویژه کمک‌های مالی، هنری، علمی، و فنی بذل مساعی خواهد کرد.

هم‌چنین ماده ۷ این کنوانسیون مقرر می‌دارد:

از نظر کنوانسیون حاضر مقصود از حمایت بین‌المللی میراث طبیعی و فرهنگی جهان، ایجاد یک نظام همکاری و مساعدت بین‌المللی به‌منظور تأیید دولت‌های متعاقد کنوانسیون در کوشش‌هایی است که به‌خاطر حفاظت و تشخیص میراث فرهنگی خود مبذول می‌دارند. در جهت حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان که دارای ارزش جهانی هستند یک کمیته بین‌الدولی به نام «کمیته میراث جهانی» و صندوقی برای حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان به نام «صندوق میراث جهانی» تأسیس می‌گردد (<http://www.unesco.org/culture/ich/en/convention>).

۶. چگونگی تعقیب گروه تروریستی داعش و کشورهای حامی این گروه در دیوان بین‌المللی کیفری

بی‌تردید جرایمی که به‌دست گروهک تروریستی تکفیری داعش در عراق و سوریه در حال انجام است کاملاً بر مواد ۵ تا ۹ اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی (جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی) منطبق است. دادگاه کیفری بین‌المللی ((International Criminal Court (ICC) اساس‌نامه الزام‌آوری برای دولت‌های عضو دارد که در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ در رم به تأیید

نمایندگان ۱۲۰ دولت رسید و در ۱ ژوئیه ۲۰۰۲ با تصویب آن از سوی ۶۰ کشور موجودیت پیدا کرد. بنا بر اعلام سایت رسمی دیوان، تا اول فوریه ۲۰۱۲ تعداد ۱۲۰ عضو جامعه جهانی به اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی موسوم به اساس نامه رم پیوسته‌اند. قلمرو صلاحیت دیوان محدود به چهار گروه از جنایات است که عبارت‌اند از: جنایات نسل‌کشی، جنایات بر ضد بشریت، جنایات جنگی، و جنایات تجاوز ارضی که در ماده ۵ اساس نامه احصا شده‌اند. به‌علاوه تابعان دیوان افراد حقیقی بالای ۱۸ سال تمام‌اند و مفاد اساس نامه برای دولت‌هایی که جدیداً به اساس نامه پیوندند عطف بماسبق می‌شود (به زمان لازم‌الاجرا شدن اساس نامه برمی‌گردد). به هر حال، دیوان کیفری بین‌المللی زمانی اقدام به تعقیب می‌کند که ارجاع پرونده به یکی از اشکال و شرایط خاص زیر اتفاق بیفتد (مواد ۱۳ و ۱۴ اساس نامه به موضوع اعمال صلاحیت قضایی دیوان پرداخته‌اند):

۱. ارجاع به دادستان دیوان از سوی یکی از کشورهای عضو اساس نامه مطابق بند الف ماده ۱۳ اساس نامه دیوان و بر اساس ماده ۱۴ اساس نامه؛ البته دیوان در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند که یکی از شروط زیر اتفاق بیافتد:

الف) حداقل یکی از دولت‌هایی که در قلمرو آن جنایت مورد نظر روی داده، یا در صورتی که آن جنایت در کشتی یا هواپیما ارتکاب یافته دولتی که آن کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است، عضو اساس نامه باشد؛

ب) دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب تبعه آن است عضو اساس نامه باشد.

۲. ارجاع به دادستان دیوان از سوی یکی از کشورهای غیر عضو اساس نامه که جرم در قلمرو آن باشد و صلاحیت دیوان را بر طبق بند ۳ ماده ۱۲ پذیرفته باشد (از طریق سپردن اعلامیه‌ای نزد رئیس دبیرخانه).

۳. شخص دادستان با تحقق یکی از دو شرط الف و ب در بند ۱ به موجب ماده ۱۳ و ۱۵ اساس نامه دادستان می‌تواند رأساً بر اساس اطلاعاتی که درباره جرایم مشمول صلاحیت دیوان به دست می‌آورد تحقیقات را آغاز کند.

۴. ارجاع از سوی شورای امنیت (بر اساس بند ب ماده ۱۳ اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی) به دیوان: شورای امنیت وضعیتی را که به نظر می‌رسد در آن یک یا چند جرم ارتکاب یافته است به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع دهد. ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان آن را قادر می‌کند که جرایم ارتكابی از سوی کشورهای که عضو اساس نامه نیستند یا جنایات واقع در چنین کشورهایی را، بدون نیاز به قبول صلاحیتش از سوی این کشورها، تعقیب کند.

با توجه به توضیحات بالا، از آنجا که دولت‌های عراق و سوریه عضو اساس‌نامه نیستند و اعلامیه‌ای نزد رئیس دبیرخانه نیز ارائه نداده‌اند، عملاً تحقق تعقیب وجود ندارد. از طرفی، چون مبنای تعقیب دیوان برای افرادی است که بالاترین مسئولیت کیفری را دارند، بنابراین چنانچه بخواهیم خارجیانی که در این دو کشور حضور دارند (حدود ۳ هزار تبعه کشورهای اروپایی) تعقیب شوند، به دلیل این که دولت‌های این افراد عضو اساس‌نامه‌اند و مرتکب جرایم در صلاحیت دادگاه می‌شوند، امکان ندارد؛ چرا که این افراد مسئولیت کیفری ندارند. نظر خانم لعبت جوادی - فاتو بنسودا (Labat Javadi Bensouda Fatou)، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، در این باره این است که «گروه داعش به‌عنوان یک سازمان از سوی اتباع عراقی و سوری هدایت و رهبری می‌شود».

از طرفی، دربارهٔ اتباع خارجی عضو داعش، که دولت متبوع آن‌ها در زمرهٔ کشورهای عضو اساس‌نامه است و در این دو کشور مرتکب جنایت شده‌اند، باید صلاحیت تکمیلی خود را مورد توجه قرار دهد. بدین نحو که، بنا بر بند ۱ مادهٔ ۱۷ اساس‌نامهٔ دیوان در صورتی که دولت صلاحیت‌دار به موضوع رسیدگی نکند، می‌تواند اعمال صلاحیت کند و تعقیب این خارجیان باید پس از اطمینان دیوان از تعقیب نشدن آن‌ها از سوی دولت‌های خود آن‌ها باشد. در حال حاضر، در خصوص تعقیب داعش در دیوان دو راه وجود دارد یا دولت‌های سوریه و عراق به اساس‌نامه بپیوندند که آن هم با توجه به شرایط موجود و تأثیرگذاری مواد اساس‌نامه در حقوق داخلی کشورهای اسلامی دارای تالی فاسد خاص خود است، یا این که تعقیب و ارجاع از سوی شورای امنیت انجام شود که بهترین گزینه است. متأسفانه به دلیل حق و تو دولت‌های عضو دائم، خصوصاً آمریکا، فرانسه، و انگلیس، امکان چنین امری نیست و این موضوع حمایت این دولت‌ها از داعش در عرصهٔ حقوق بین‌المللی را تأیید می‌کند.

چنانچه آمریکا، فرانسه، و انگلیس بخواهند در عرصهٔ بین‌الملل حمایت خود را از داعش پایان یافته بدانند و این موضوع را اثبات کنند باید تعقیب داعش را، از طریق شورای امنیت با استناد به بند ب مادهٔ ۱۳ اساس‌نامه، به دیوان کیفری ارجاع دهند.

امروزه تروریسم از مستمترترین و خطرناک‌ترین تهدیدها علیه صلح بین‌المللی است و روند زایش، توسعه، و نفوذ آن‌ها در روابط بین‌المللی بر تلاش‌ها و همکاری‌های دولت‌ها سبقت گرفته است. حمایت دولت‌ها از این گروه، خواه در مرحلهٔ تأسیس یا فعالیت، اساسی‌ترین مؤلفه‌ای است که سبب زایل شدن نظام همکاری بین‌المللی مطلوب در مقابله با تروریسم شده است. برخی دولت‌ها از این گروه‌ها به منزلهٔ ابزار تأمین منافع ملی خود

استفاده می‌کنند و در نتیجه قدرت عمل هنجاری و ساختاری نظام بین‌المللی را در عرصه مبارزه با تروریسم حبس کرده‌اند که درباره داعش به‌وضوح می‌توان این نکته را دریافت.

۷. مسئولیت بین‌المللی کشورها در رابطه با همکاری با گروه داعش

مهم‌ترین منابع درآمدی داعش، علاوه بر فروش نفت و سرقت، غارت آثار باستانی واقع در سوریه و عراق و فروش آن‌ها به طرف‌های خارجی است. تروریست‌های داعش طی سال‌های اخیر به دو شهر تاریخی بزرگ در سوریه و عراق یورش برده و اقدام به سرقت گسترده آثار باستانی آن‌ها کرده‌اند.

شهر تاریخی «تدمر» (Tadmur) در سوریه و «نمرود» (Nimrud) در عراق از نمونه‌های برجسته‌ای است که در این زمینه می‌توان به آن‌ها اشاره کرد. تکفیری‌های داعش به‌نحوه کاملاً غیرمنتظره به این شهرها یورش بردند و پس از قتل‌عام وحشیانه ساکنان آن‌ها دست به غارت آثار باستانی زدند تا جایی که بسیاری از نهادهای حقوق بشری بین‌المللی به این اقدام واکنش نشان دادند و آن را به‌شدت محکوم کردند.

شهر تاریخی نمرود، که از آن به‌عنوان «نگین تمدن آشوری» یاد می‌شود، در قرن سیزدهم پیش از میلاد و در حاشیه رود دجله، حدود ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی موصل، بنیان گذاشته شد. یونسکو تخریب این شهر باستانی را مصداق بارز «جنایت جنگی» خواند. از جمله دیگر منابع درآمد تروریست‌های تکفیری داعش فروش اعضای بدن اسرای خود است. بر اساس آخرین گزارش‌های منتشرشده، تروریست‌های داعش از طریق فروش اعضای بدن گروگان‌های زنده و سربازان کشته‌شده خود میلیون‌ها دلار درآمد کسب می‌کنند. این گروه تروریستی حتی یک کمیته مخصوص برای فروش اعضای بدن از جمله قلب، کلیه، و کبد تشکیل داده است که مأموریت آن فروش اعضای بدن در بازارهای سیاه جهانی است. در همین زمینه «محمد الحکیم» نماینده دائم عراق در سازمان ملل می‌گوید:

اروپا ایستگاه اصلی تجارت اعضای بدن توسط داعش به‌شمار می‌رود به‌طوری که داعشی‌ها میلیون‌ها دلار از طریق فروش اعضای بدن گروگان‌های خود و افرادی که ربوده‌اند در کشورهای اروپایی به‌دست می‌آورند (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴).

حال با توجه به این که این گروه زاینده اهداف و تجهیزات کشورهای معدودی است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا مسئولیتی متوجه این کشورها، که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در جامعه جهانی با این گروه همکاری و داد و ستد می‌کنند، می‌شود؟

بر اساس قواعد عام حقوق مسئولیت بین‌المللی، تجهیز و ارسال سلاح و هر گونه اقدامات در جهت برهم زدن حاکمیت و استقلال سرزمینی کشورها محکوم و موجب مسئولیت بین‌المللی کشور خاطی می‌شود. این موضوع در دعوای نیکاراگوا علیه امریکا در سال ۱۹۸۶ نیز مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفت. بدین دلیل، کشورهای غربی - عربی نه فقط مسئولیت اولیه و مستقیم به لحاظ ارسال سلاح و کمک‌های اطلاعاتی و امنیتی دارند، بلکه غیرمستقیم در کشتار جمعی و نسل‌کشی مردم بی‌گناه سوریه و عراق سهیم‌اند؛ زیرا در حال حاضر این گروه تروریستی با هدف قرار دادن تجارت از طریق فروش اشیای عتیقه، فروش نفت، و در موارد منتشرشده فروش اعضای بدن اسیران خود، در پی کسب درآمد با سودهای کلان به منظور نیل به اهداف خود است. رهبران این کشورها علاوه بر مسئولیت عام از سوی کشورشان در صحنه بین‌المللی مسئولیتی کیفری، به دلیل مشارکت و معاونت در نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و نهایتاً قواعد آمره و الزام‌آور بین‌المللی، دارند. نتیجه آن‌که، با وجود موارد مطرح‌شده هر گونه ائتلافی از سوی کشورهای تجهیزکننده و خاطی، که با تروریسم به‌طور سازمان‌یافته همکاری داشته و دارند، نه فقط در حقوق بین‌الملل محلی از اعراب ندارد، بلکه محکوم به شکست است و قهقرایی برای قواعد و اخلاق بین‌المللی محسوب می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای

با توجه به مطالب گفته‌شده نتیجه می‌شود که کاربرد مفهوم میراث مشترک بشریت و مفهوم نگرانی مشترک بشریت درباره حفاظت از آثار باستانی و تاریخی ملل از این مهم حکایت دارد که اولاً، نسل کنونی در قبال حقوق و منافع نسل‌های آینده مسئولیت خطیری دارد و ثانیاً، حفاظت از آثار باستانی، تاریخی، و فرهنگی و مدیریت در این زمینه و حفاظت به‌طور انفرادی تا حدودی از عهده دولت‌ها خارج است و به همبستگی جهانی نیاز دارد. با این همه، با فرض تشکیل دولت اسلامی عراق و شام، این دولت با چند مسئله عمده مواجه است، از جمله برخورد با اصل و قاعده منع تجاوز و احترام به حاکمیت و تمامیت سرزمینی کشورهای جهان که جزو قواعد الزام‌آور و تخطی‌ناپذیر حقوق بین‌الملل است و هم‌چنین ارتکاب جنایات بین‌المللی مندرج در اسناد بین‌المللی از جمله اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی که به‌وضوح در کشورگشایی‌های گروه تروریستی داعش مشخص است و مبنایی است برای ارجاع افراد این گروه و کسانی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با این گروه همکاری و مساعدت می‌کنند.

از طرفی، مبارزه با تروریسم بیش از آن که نیازمند ائتلاف‌های عریض و طویل و مانورهای رسانه‌ای و تبلیغی باشد، نیازمند اراده سیاسی قوی و پرهیز از بازی‌های دوگانه در خصوص تروریسم و مصادیق آن است. متأسفانه در حال حاضر دولت‌ها، به‌ویژه قدرت‌های جهانی، عملکرد نامناسبی در قبال استراتژی جامع مبارزه با تروریسم سازمان ملل داشته‌اند. با وجود این، حتی انواع کنوانسیون‌ها و اسناد حقوقی مبارزه با تروریسم نتوانسته‌اند کارایی‌های لازم را در تأمین جهان‌گیری از خشونت داشته باشند؛ زیرا اصولاً خشونت در بستر فکری و اجتماعی خاص ظهور و بروز پیدا می‌کند و این مسئله باید از سوی جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، و جرم‌شناسان بین‌المللی تحلیل شود.

رهبران و سیاست‌مداران کشورها، یا دیگر افراد، که به‌منظور نیل به اهداف شوم خود با این گروه‌های تروریستی هم‌کاری و آن‌ها را مساعدت می‌کنند، علاوه بر مسئولیت عام از سوی کشورشان در صحنه بین‌المللی نیز مسئولیتی کیفری، به‌دلیل مشارکت و معاونت در نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و نهایتاً قواعد آمره و الزام‌آور بین‌المللی، دارند که قابل رسیدگی و پیگیری از طریق محاکم بین‌المللی است.

بنابراین، هر گونه برقراری صلح و ثبات پایدار در جامعه جهانی به‌منظور حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی و تاریخی و همچنین مقابله با افرادی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم موجبات تعدی و تجاوز به میراث کهن بشریت را فراهم می‌کنند نیازمند اتحاد جهانی برای حفاظت و همبستگی است. با هماهنگی و مشارکت دیگر کشورها می‌توان هر گونه خشونت، آسیب، تعرض، و صدمه به میراث و آثار فرهنگی و تاریخی در هر نقطه دنیا را برطرف و عاملان و متجاوزان را در محاکم بین‌المللی محاکمه و مجازات کرد.

پی‌نوشت

۱. خزعل حسین، *تاریخ الجزیره العربیه فی عصر الشیخ محمد بن عبد الوهاب* ۱:۵۶؛ العجلانی، منیر؛ *تاریخ البلاد العربیه السعودیه*، ۱۹۵؛ صالح بن عبدالله؛ عقیده الشیخ محمد بن عبدالوهاب السلفیه: ۱۰۹.

منابع

- بجاوی، محمد (۱۳۷۶). «ژنوم انسانی به‌مثابه میراث مشترک بشریت یا ژنتیک بیم و امید»، ترجمه ابراهیم بیگزاده، *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، ش ۱۱.
- جباری، منصور (۱۳۸۱). *حقوق بین‌الملل هوایی*، تهران: فروزش.

- جمالی، حمیدرضا (۱۳۸۷). «تنوع فرهنگی میراث مشترک بشریت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، س ۳، ش ۷.
- خبرگزاری مهر (جمعه ۲۹ خرداد ۱۳۹۴). شناسه خبر: ۲۷۸۱۸۴.
- خلیلیان، علی محمد (۱۳۸۰). «اموال فرهنگی در گستره تاریخ معاصر ایران»، میراث فرهنگی، ش ۱۶.
- دلخوش، علیرضا (۱۳۸۷). «حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی تفاوت‌ها و اشتراکات»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۲، ش ۴.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳). مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، تهران: نشر میزان.
- فیروزآبادی، سیدحسن و همکاران (۱۳۹۳). تکفیری‌های داعش را بشناسیم، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر، ج ۲، تهران: مؤسسه حقوقی شهر دانش.
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند، و زهرا موسوی، تهران: جنگل.
- کامیار، غلامرضا (۱۳۷۵-۱۳۷۴). «حمایت کیفری از آثار مذهبی، ملی و تاریخی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۱). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ملایی، اعظم (۱۳۹۳). «تحلیل عملکرد شورای امنیت در مقابله با داعش»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، قابل مشاهده در: <http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/2620.aspx>
- موسی‌زاده، رضا و حسین فروغی‌نیا (۱۳۹۱). «تعریف جنایت تجاوز در پرتو قطع‌نامه کنفرانس بازننگری اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا» ۱ ژوئن، فصلنامه راهبرد، س ۲۱، ش ۶۳.
- نظام‌الدینی، سیدحسین (۱۳۸۹). «امانی کلام سلفیان تکفیری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

Scheffer, David (2009). "The International Criminal Court and Crime of Aggression: A Pragmatic Approach to Jurisdictions and Definitional Requirements for the Crime of Aggression in the Rome Statute", *Case Western Reserve Journal of International Law*, Vol. 41.

Shelton, D. (2009). "Common Concern of Humanity", *Iustum Aequum Salutare*, Vol. 1, available at: <http://ias.jak.ppke.hu/hir/ias/20091sz/05.pdf>

Convention of the means of prohibiting and preventing the illicit import, export and transfer of ownership of cultural (Property, Paris 17 November 1970).

Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986, para. 251.

<http://www.unesco.org/culture/ich/en/convention>

www.UN.org/press/en/2015/SC11775.doc.htm

<http://www.un.org/press/en/2015/sc11775.doc.htm>